

### اصل پانزدهم

اعمال فرزندان ما در سه حیطة مجاز، نیمه مجاز و غیرمجاز قرار می گیرند. مجاز را تشویق کنیم، غیرمجاز را منع و متوقف کنیم و در حیطة نیمه مجاز به آنها آزادی نسبی بدهیم.



این اصل بر این نکته تأکید دارد که باید در مقابل اعمال و رفتارهای فرزندانمان مواضع متناسب با عمل آنها اتخاذ کنیم. ما نمی توانیم تنها با امر و نهی، هادی خوبی برای فرزندان باشیم. تربیت ایجاب می کند که نوعی طبقه بندی و یا مقوله بندی از رفتارهای متربی خود در ذهن داشته باشیم، و بر اساس این طبقه بندی در مقابل رفتارهای او موضع بگیریم. در تربیت نمی توانیم تنها به صدور دستور اکتفا کنیم؛ یعنی بگوییم این کار را بکن و این کار را نکن. بلکه باید جایی برای انتخاب متربی خود

## اصول تربیت

دکتر علی اصغر احمدی

گشاده‌رویی مواجه شده، لحظاتی در کنار او بنشینیم و رضایت‌مندی خود را از این عمل نشان دهیم.

خلاصه آن که اعمال فرزندمان که مطابق با خواست ما انجام می‌گیرد، احتیاج به تشویق دارد و نباید از کنار آن‌ها بی تفاوت بگذریم؛ هر چند که لازم است در اعمال تشویق و تأیید نیز هرگز زیاده‌روی نکنیم بلکه از آن‌ها با ظرافت استفاده کنیم.

**ب - اعمال نیمه‌مجاز، به اعمالی اطلاق می‌شود که مطابق خواست ما انجام نمی‌گیرد، لکن ضدیت شدید و زیادی هم با خواست ما ندارد. این گونه اعمال با میل و رغبت از طرف فرزند ما انجام می‌پذیرد ولی ما نسبت به آن اکراه داریم. یکی از رایج‌ترین این رفتارها به عادات‌های غذایی بچه‌ها مربوط می‌شود. بسیاری مواقع ما می‌خواهیم فرزندمان غذای بخصوصی را بخورد، در حالی که او چنین تمایلی ندارد و غذای دیگری را می‌پسندد.**

یکی دیگر از این زمینه‌ها به رعایت دقیق نکات بهداشتی، از قبیل مسواک زدن، حمام کردن، صابون زدن به دست و... مربوط می‌شود. این اعمال ضمن این که انجامشان لازم و ضروری است، لکن در حیطه اعمال نیمه‌مجاز قرار می‌گیرند. در صورتی که فرزند ما برخی اوقات اکراه شدیدی برای انجام چنین اعمالی از خود نشان می‌دهد، لازم نیست با شدت عمل با او مواجه شویم، بلکه ضمن نشان دادن تمایل اصلی خود، او را در انجام آن اعمال مختار بگذاریم.

**ج - اعمال غیرمجاز نیز به اعمالی گفته**

در نظر بگیریم. یعنی در همه مراحل زندگی فرزند و مربی خود، برای او نیز نقشی قائل شویم تا او دست به انتخاب بزند. او نیز باید بتواند عملی را مطابق میل خودش انجام دهد، تا از این طریق هم احساس هویت و استقلال بکند، هم آزادی را تجربه نماید و هم از موضع‌گیری در مقابل ما و احیاناً تضادورزی با ما دور بماند.

ما برای تعیین انواع رفتارهای مربی و فرزند خود، آن‌ها را به تناسب روش برخوردمان، به سه دسته مجاز، نیمه‌مجاز و غیرمجاز تقسیم کرده‌ایم.

**الف - اعمال و رفتارهای مجاز، رفتارهایی هستند که فرزند ما مانند خود ما میل به انجام دادن و یا ترک آن‌هاست. مانند درس خواندن، غذا خوردن، رعایت بهداشت، دوری از دوستان بد و غیره. در صورتی که خواست فرزند ما در این زمینه‌ها با خواست ما یکی باشد، این اعمال در حیطه مجاز قرار می‌گیرند. چنین رفتارهایی وقتی از طرف فرزند ما انجام می‌گیرد، باید با روی گشاده‌ما مواجه شده، از این طریق تشویق و تقویت شوند. در مقابل این اعمال نباید بی تفاوت باشیم و بگوییم که خوب فرزند ما وظیفه‌اش را انجام می‌دهد، بلکه باید رضایت خاطر خود را از طریق توجه، گشاده‌رویی و گرم گرفتن با او نشان دهیم. وقتی فرزند ما به موقع سر سفره غذا می‌نشیند و با رعایت آداب، همراه با دیگران شروع به خوردن غذا می‌کند، لازم است این عمل او را مورد توجه قرار دهیم و با ایجاد فضایی شاد و دلخواه، آن را تقویت و تشویق کنیم. همچنین وقتی او مشغول انجام تکالیفش است، با او با**

برای یک خانواده زیاد و یا بسیار کم باشد، لکن نمی‌تواند به طور کامل از بین برود. در چنین صورتی محیط تربیتی تبدیل به یک زندان خواهد شد و هر عملی که کودک یا نوجوان می‌خواهد انجام دهد، باید از مربی خود اجازه بگیرد. چنین محیطی یک محیط تربیتی نیست بلکه یک زندان و یا اردوگاه اسراست. از سوی دیگر باید توجه داشت که بسیاری از رفتارها برای همهٔ مربیان مجاز، نیمه‌مجاز یا غیرمجاز هستند و این اعمال میان همهٔ انسان‌ها مشترک است. مثلاً سازگاری با اعضای خانواده، در حیطهٔ اعمال مجاز، رفتن به دید و بازدید در حیطهٔ اعمال نیمه‌مجاز و قتل هم نوع و هم خون در محدودهٔ اعمال غیرمجاز قرار می‌گیرند. این چنین اعمالی بین همهٔ انسان‌ها مشترک است، و هر قدر مشابهت فرهنگی بین خانواده‌ها بیش‌تر باشد، حدود اعمال در بین آن‌ها به یکدیگر نزدیک‌تر و شبیه‌تر می‌شود. برای خانواده‌های مسلمان ایرانی بسیاری از رفتارها معنا و مفهوم و حدود مشابهی دارند، هر چند رفتارهایی هم هستند که از خانواده‌ای به خانوادهٔ دیگر، حتی در بین اعضای یک فامیل و یک خانواده دربارهٔ آن‌ها تفاوت تلقی وجود دارد.

برای مسلمانان، اعمال مجاز شامل اعمال واجب و مباح می‌شود، اعمال نیمه‌مجاز شامل اعمال مکروه و مستحب و اعمال غیرمجاز شامل محرمات می‌گردد. خانواده‌های مسلمان علاوه بر تعیین چنین حدودی از جانب شارع دین، در زمینه‌هایی که دین سکوت کرده و حکم خاصی در مورد آن بیان نکرده است خود دست به تعیین حدود مجاز، نیمه‌مجاز و غیرمجاز می‌زنند.

می‌شود که ممکن است فرزند ما تمایل به انجام و یا ترک آن‌ها داشته باشد، در حالی که ما با انجام و یا ترک آن‌ها به شدت مخالفیم؛ همانند سیگار کشیدن، ترک کردن نماز، تماشای فیلم ضد فرهنگی و مستهجن، از خانه بیرون ماندن و... این اعمال باید با شدت عمل تربیتی ما مواجه شود و از انجام آن جلوگیری کنیم. اعمال غیرمجاز، در منطقهٔ ممنوعه و در پشت خط قرمز تربیتی قرار می‌گیرند. در این جا باید نشان دهیم که فرزند ما مجاز به انجام هر عملی نیست و نمی‌تواند هر طور که می‌لش کشید عمل کند.

در مورد اعمال مجاز، نیمه‌مجاز و غیرمجاز نکاتی را باید مدنظر داشت که اهم آنها عبارتند از:

۱- نسبیت: باید توجه داشت که تعیین حدود اعمال مجاز، نیمه‌مجاز و غیرمجاز، نسبت به سطح فرهنگ خانواده متفاوت است. ممکن است برای یک خانواده چیزی که نیمه‌مجاز است برای خانواده‌ای دیگر غیرمجاز به شمار آید. و یا خانواده‌ای ممکن است چیزی را مجاز و خانواده‌ای دیگر آن را غیرمجاز و یا نیمه‌مجاز به حساب آورد. برای خانواده‌ای که رعایت بهداشت، از جمله مسواک کردن دندانها به شکل یک رفتار عادی درآمده است، مسواک نزدن ممکن است یک رفتار غیرمجاز تلقی شود ولی برای خانوادهٔ دیگر ممکن است همین رفتار در محدودهٔ نیمه‌مجاز قرار گیرد.

از آن جا که قاعدهٔ نسبیت بر تعیین حدود اعمال مجاز، نیمه‌مجاز و غیرمجاز حاکم است، باید توجه داشت که این حدود ممکن است کم و زیاد شود، اما هرگز نباید از بین برود. یعنی ممکن است تعداد اعمال مجاز یا نیمه‌مجاز



۲- تحول: نکته دیگری که در ارتباط با این حدود لازم است مورد توجه قرار گیرد، جنبه تحولی داشتن این حدود است. یعنی این که حدود این رفتارها از بدو تولد آغاز گشته، به تدریج رشد و تحول می یابند. یک نوزاد همه اعمالی که انجام می دهد، در حیطه اعمال مجاز قرار می گیرد و اساساً برای او نیمه مجاز یا غیرمجاز مطرح نیست. حتی عمل دفع کودک نیز که هیچ گونه کنترلی بر آن وجود ندارد، در حیطه اعمال مجاز قرار می گیرد. به تدریج که کودک بزرگ می شود برای او حیطه های اعمال به حدود نیمه مجاز و غیرمجاز تسری پیدا می کند.

۳- پرورش وجدان: با رعایت این سه حیطه، ما به تدریج وجدان را در درون کودک پرورش می دهیم. اگر تنها از دو حیطه مجاز و غیرمجاز استفاده می کردیم، پرورش وجدان به خوبی امکان پذیر نبود ولی با استفاده از سه حیطه، می توانیم وجدان را به خوبی در درون

در تربیت باید به این سمت حرکت کنیم که به تدریج حیطه های اعمال از بیرون به درون متربی منتقل شود. یعنی به جای این که مربی و محیط تربیتی تعیین کند که چه چیزی مجاز و چه چیزی نیمه مجاز و غیرمجاز است، خود

می کند.

شد. یعنی تا وقتی کنترل کردن و کنترل شدن‌های همه جانبه وجود دارد، کسی خطا نخواهد کرد ولی وقتی که هر گوشه‌ای از این کنترل‌ها سست شود، انسان‌ها مرتکب خطا خواهند شد. در حالی که اگر کنترل و مراقبت از درون افراد و توسط وجدان انجام پذیرد، دیگر انسان احتیاج به کنترل‌کننده بیرونی ندارد. در جامعه‌ای که افراد آن اغلب به وسیلهٔ وجدان کنترل می‌شوند، دستگاه‌های انتظامی و قضایی تنها به موارد استثنایی رسیدگی خواهند کرد. به عبارت دیگر این دستگاه‌ها به کمک قاعدهٔ عمومی یعنی وجدان می‌آیند و هر جا که وجدان سستی کرد، این دستگاه‌ها سستی آن را جبران می‌کنند. نمی‌توان انتظار داشت در جامعه‌ای که وجدان‌ها سست شده‌اند و حاکمیت ندارند، دستگاه‌های انتظامی و قضایی بتوانند جای وجدان‌ها را بگیرند. در چنین

متربی خود پرورش دهیم. مقصود از وجدان عامل کنترل درونی است. وجدان عاملی است که ما را از درون مورد نظارت قرار داده، به هنگام انجام خطا ما را مورد سرزنش و تنبیه قرار می‌دهد. یکی از مهم‌ترین اهداف تعلیم و تربیت نیز پرورش همین وجدان است. اگر یک نظام تعلیمی و تربیتی نتواند در درون متربیان خود این وجدان را شکل دهد، در انجام وظایف خود با شکست مواجه شده است. اگر قرار باشد اعمال مردم یک جامعه پیوسته توسط دیگران کنترل شود، روزی فرا خواهد رسید که هیچ قاعده‌ای محترم شمرده نشود، زیرا به تدریج جامعه پر از افرادی می‌شود که باید دیگران آنها را کنترل کنند و کنترل‌کنندگان نیز باید توسط افراد دیگری کنترل شوند، زیرا در غیر این صورت مرتکب خطا خواهند شد. چنین چیزی موجب یک دور باطل خواهد





جوامعی حتی این دستگاه‌ها نیز مرتکب خطا و خلاف می‌شوند.

برای تربیت وجدان در درون متربیان به خوبی می‌توانیم از طریق اعمال درست این سه حیطة، موفق شویم. اولاً از طریق اعمال حیطة مجاز به متربیان خود می‌گوییم که چه کارهایی را باید انجام دهند. یعنی از طریق اعمال حیطة مجاز به آن‌ها می‌گوییم که چه بکنید. از طریق اعمال حیطة غیرمجاز به آن‌ها تفهیم می‌کنیم اعمالی وجود دارد که نباید اصلاً و اساساً به گرد آنها بگردیم و از این طریق به متربیان خود تفهیم می‌کنیم که در زندگی انسان خط قرمزی وجود دارد که نباید از آن عبور کرد. دزدی، دروغ‌گویی، حرام خواری، چشم به ناموس دیگران داشتن و... رفتارهایی هستند که هر چند انسان می‌تواند انجام دهد ولی نباید مرتکب آنها شود. از طریق اعمال حیطة نیمه‌مجاز، اراده و کنترل فرد بر خودش را تقویت می‌کنیم. یعنی به او می‌فهمانیم این خود اوست که باید عمل درست را انجام دهد و از عمل نادرست دوری بجوید. کودک یا نوجوان با قرار گرفتن در حیطة نیمه‌مجاز احساس آزادی می‌کند و احساس می‌کند که این خودش است که باید خودش را مهار کند نه دیگران، و از این طریق خودکنترلی را می‌آموزد و تمرین می‌کند. خانواده‌ای که اجازه چنین عملی را به فرزند خود نمی‌دهد، او را نزد خودش ناتوان و بی اراده جلوه می‌دهد. خودکنترلی یکی از وجوه مهم وجدان است.

اعمال غیرمجاز لازم است ضمن توضیح اعمال غلط و نادرست برای متربی، با قاطعیت و صلابت، ولی با خونسردی و آرامش او را از انجام چنین اعمالی دور کنیم. حفظ خونسردی و آرامش، (همان گونه که در اصل ششم گفتیم) می‌تواند مؤثرتر و نافذتر باشد تا استفاده از خشونت و تنبیه مستمر.

در مورد اعمال حیطة نیمه‌مجاز نیز لازم است موضع خود را برای فرزندان مشخص کنیم، لکن به او اجازه دهیم که خودش انتخاب کند و اگر جنبه درست را انتخاب کرد، با او با خوشرویی مواجه شویم، ولی اگر جنبه منفی عمل را انتخاب کرد، لازم نیست او را سرزنش و یا تنبیه کنیم که در چنین صورتی آن عمل را به شکل عمل غیرمجاز در آورده‌ایم. بهتر است در مقابل انجام جنبه نامطلوب عمل نیمه‌مجاز، با کرامت و سکوت مواجه شویم.

۴- استفاده از کنترل‌های تربیتی: برای اعمال این سه حیطة باید توجه داشت که از روش‌های تربیتی مناسب استفاده شود. مبادا از خشونت و تنبیه بدنی استفاده کنیم. برای تعیین